

جایگاه اهل‌البیت (ع) در میان امت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

سیدعلاءالدین شاهرخی*

چکیده

در قرآن و سنت جایگاه ویژه و منحصر به فردی به اهل‌بیت (ع) داده شده است. توجه به این جایگاه اقتضا می‌کند که این خاندان پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) سکاندار دستگاه حکومتی مسلمانان شوند و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه اسلامی رهبری بلامنازع را برعهده گیرند. پس از گذشت نیم قرن از واقعه سقیفه بنی‌ساعده، ماجرای خونین کربلا به وقوع پیوست و بر عترت پیامبر آن رفت که رفت و حتی طرح فضائل آنان ممنوع و خطرآفرین شد. امیرالمؤمنین علی (ع) با شناخت عمیق از مقوله چگونگی گفتمان با اهل‌بیت (ع) در عصر خود و آینده به طرح مبانی نظری مربوط به عترت پیامبر (ص) و آثار گسترده آنان در حیات بشری و به‌خصوص جامعه اسلامی پرداخت. در این مقاله با رویکردی تاریخی - تحلیلی شیوه پرداختن امام به این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد و تلاش آن حضرت برای بیدار کردن وجدان‌های خفته در قبال وظیفه‌ای که در برابر این هدایتگران الهی داشت، بررسی می‌شود و سرانجام، اثرگذاری ارشادات امام در بخشی از جامعه با وجود موانع بسیار، و صفات محبان اهل‌بیت (ع) در کنار صفات مخالفان آنان طرح می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، اهل‌البیت (ع)، پیامبر اکرم (ص)، قرآن، سنت، مسلمانان.

مقدمه

آیات متعددی در قرآن به‌روشنی بر وجود خاندان‌های پاک و برگزیده تأکید دارد که از آن‌ها

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان shahrokhi41@gmail.com

تاریخ دریافت: 90/3/15، تاریخ پذیرش: 90/5/17

افرادی به پیامبری رسیدند و گاه در بین فرزندان و نوادگانشان نیز این جایگاه استمرار یافت. چنانچه در میان وابستگان نزدیک آن پیامبران اشخاص نااهلی وجود داشت، طرد می‌شدند و از خاندان (اهل) آن‌ها به‌شمار نمی‌آمدند. بعثت رسول گرامی اسلام پایان‌بخش جریان نبوت بود، خداوند متعال با رسالت حضرت محمد (ص)، اسلام را دین همیشگی و خاتم ادیان اعلام کرد. با این حال یکی از آسیب‌های همیشگی ادیان الهی تلاش و اقدامات منافقان و کافران بود که موجب نسخ و تحریف ادیان پیشین شد.

روند و شدت تحریف ادیان الهی یکی از موجبات لزوم ارسال پیامبران جدید بود، زیرا تحریف کتب آسمانی و افکار توحیدی و محرومیت انسان‌ها از اندیشه‌ها و سرمشق‌های سعادت‌بخش، امکان هدایت و تعالی جوامع انسانی را عملاً نفی کرد. کلام خداوند در قرآن که می‌فرماید: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون؛ ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً نگهدار آنیم (حجر: 9)، تأکیدی است بر حفظ کردن این کتاب آسمانی از هرگونه خطری، از جمله تحریف. این درحالی است که بنابر نص صریح کلام الهی منافقان خطرناکی در جامعه اسلامی حتی در عصر پیامبر (ص)¹ منتظر فرصت بودند تا به مسخ دین پردازند، که وقایع پس از رحلت آن حضرت این واقعیت را تأیید کرده.² حال این سؤال مطرح می‌شود که چه کسانی در آن دوران دشوار و حساس، وظیفه مهم هدایت و ولایت را عهده‌دار بودند؟ برخی تصور می‌کنند این مسئولیت با رحلت پیامبر (ص) به اتمام رسید اما چنین تصویری با تعالیم اسلام، که برای همه نسل‌های بعدی تا آخرالزمان معتبر است، در تضاد خواهد بود. از جانب دیگر، با دقت در کلام وحی درمی‌یابیم که خداوند افرادی را به‌عنوان مظهر ولایت خود بر مخلوقاتش «ولی» قرار می‌دهد و می‌فرماید:

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون: همانا سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آوردند، همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند (مائده: 55).

بنابراین، ولایت رسول خدا (ص) جلوه‌ای از ولایت خداوند است، اما این ولایت محدود به ایشان نبوده و پس از آن حضرت نیز از طریق افراد خاصی که در آیه فوق بی ذکر نام صفاتشان بیان شده است، استمرار می‌یابد. اجماع علما و مفسران شیعه و اهل سنت آن است که مصداق این آیه حضرت علی (ع) است.³ لذا ولایت علی (ع) هم تجلی ولایت خداوند است، یعنی ولایت الهی با ولایت رسول (ص) و امام اعمال می‌شود. در واقع، خداوند به منظور حفظ وجود هدایتگران راستین بر روی زمین، امامان معصوم (ع) را به این

مسئولیت گمارد و آنان پس از ختم نبوت، عهده‌دار این وظیفه بسیار مهم شدند. مسئله اساسی که این پژوهش قصد پردازش آن را دارد، ناآگاهی بسیاری از مسلمانان از جایگاه اهل بیت (ع) است و این که اهل بیت (ع) و در رأس آنان امام علی (ع) چه تلاشی برای تبیین این موضوع مهم و حیاتی کردند؟ در واقع، نگرش و اقدامات امام در این راستا سرمشقی برای سایرین بوده است.

امامان همان اهل بیت (ع) پیامبر (ص) و انسان‌های کاملی بودند که آئینه تمام‌نمای حق و تجلی‌گاه ولایت الهی بودند. با این‌که در مورد اهل بیت (ع) برخی نکات در ذیل مجموعه‌های کلی و یا نوشته‌هایی خاص، همچون نقش اهل بیت (ع) در تبیین معارف اسلامی،⁴ نگارش یافته است، اما تحقیقات جدید و طرح موضوع از نگاه امام علی (ع) ضروری به نظر می‌رسید، از این رو، پاسخ برخی سؤالات می‌تواند ابعادی دیگر از حقایق را بر همگان بگشاید، سؤالاتی همچون:

1. از نظر امام علی (ع)، اهل بیت (ع) در ابعاد گوناگون وجودی از چه جایگاهی برخوردارند؟

2. چه مسئولیت‌ها و تکالیفی بر عهده دارند؟

3. چه کسانی به ایشان محبت می‌ورزند و متقابلاً چه افرادی با آنان دشمن هستند؟

4. آثار و نتایج این محبت و دشمنی چیست؟

معمولاً در اکثر پژوهش‌های مربوط به اهل بیت (ع)، طرح مباحث بر محوریت برخی ادله عقلی و نقلی است، اما در این پژوهش با استفاده از روش تاریخی - تحلیلی و با استناد به سخنان و گفته‌های امیرالمؤمنین علی (ع) این موضوع بررسی شده است.

واژه اهل بیت (ع)

واژه اهل در لغت به معنای شایسته و سزاوار است (عمید، 1377: 1/269) و واژه بیت نیز به معنای جای بیتوته و سکونت است که آن را معادل خانه می‌دانند (همان: 398). با اضافه شدن «اهل» به «بیت»، ترکیبی درست می‌شود به معنای اهل منزل و ساکنین در منزل (فراهیدی، 1408: 89/4)، لذا چنین به نظر می‌رسد که اهل بیت (ع) هر شخصی در واقع بستگان بسیار نزدیک او و کسانی‌اند که در منزل وی زندگی می‌کنند.

از آن‌جا که این پژوهش در مورد اهل بیت رسول اکرم (ص) است و بیت ایشان محل

نزول وحی بوده است، بالطبع مراد از اهل‌بیت (ع) آن حضرت همهٔ افراد خانوادهٔ ایشان نیست، بلکه افرادی از آن‌ها مدنظر است که از نظر علمی و عملی و صفات شایستهٔ انسانی، شایستگی بیت پیامبر (ص) را داشته باشند (بابایی، 1381: 67).

مصادیق اهل‌بیت (ع)

فضائل و خصوصیات ممتازی که در قرآن و سنت معصومین (ع) دربارهٔ اهل‌بیت آمده است، بیانگر جایگاه منحصره‌فرد آنان است. این واژه فقط دوبار در قرآن ذکر شده است. یک بار در خصوص خاندان حضرت ابراهیم (ع)، که می‌فرماید:

رحمة‌الله و برکاته علیکم اهل‌البیت: رحمت خدا و برکات او بر شما اهل‌بیت باد (هود: 73).

و بار دیگر در خصوص پیامبر اسلام (ص)، که خود از نسل ابراهیم (ع) است و دربارهٔ او و خاندانش نیز آیه‌ای مستقل نازل شده که به آیهٔ تطهیر معروف است:

انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیراً: خدا می‌خواهد آلودگی را از شما اهل‌بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند (احزاب: 33).

در این آیه، هرگونه پلیدی به‌طور خاص از اهل‌بیت (ع) پیامبر (ص) نفی گردیده و این امتیاز به ارادهٔ الهی در شأن آنان روا داشته شده است. واژهٔ «اراده» در لغت به مفهوم طلب و اختیار است (مقرئ الفیومی، 1419: 245/1)، اما ارادهٔ الهی که کاملاً متفاوت با ارادهٔ انسانی، است به مفهوم حکم یا ارادهٔ حتمی است (مکارم شیرازی، 1371: 297/17).

برخی از صاحب‌نظران اهل سنت، مصداق اهل‌بیت (ع) را همسران پیامبر (ص) ذکر می‌کنند، به‌علت این که آیات قبل و بعد از آیهٔ تطهیر دربارهٔ زنان آن حضرت نازل شده است (قرشی، 1371: 1/127). البته بخشی از پاسخ آنان در استدلالشان نهفته است، زیرا سیاق آیات مربوط به همسران ایشان با جمع مؤنث بوده و از این آیه جدا می‌شود. نکتهٔ دیگر، سرزنش برخی از همسران پیامبر (ص) در قرآن است،⁵ که علی‌القاعده چنین اشخاصی نمی‌توانند اهل‌بیتی باشند که خداوند آنان را از هر گناه و اشتباهی در امان دانسته است.

بررسی دقیق منابع شیعی و بسیاری از منابع اهل سنت⁶ بیانگر این واقعیت است که اهل‌بیت مذکور در آیهٔ تطهیر، منحصرأ شامل حضرت محمد (ص)، علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع)، و حسین (ع) و دیگر امامان معصوم (ع) است. در اثبات این مدعا مدارک و اسناد بسیاری وجود دارد که به چند مورد آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) ام سلمه، همسر پیامبر (ص) می گوید:

آیه تطهیر در منزل من نازل شد، درحالی که پیامبر (ص) علی، فاطمه، حسن، و حسین را نزد خویش فراخواند و فرمود: خدایا اینان اهل بیت من هستند (حاکم نیشابوری، بی تا: 416/2).

ب) پیامبر اکرم (ص) فرمود:

من و علی و حسن و حسین و نه فرزند حسین، تطهیر گردیده ایم و به دور از هرگونه خطا هستیم (جوینی خراسانی، 1980: 2/133).

ج) رسول خدا (ص) فرمود:

ما اهل بیتی هستیم که خداوند آنان را از زشتی ها پاک کرده است، ما از درخت نبوت و منزل رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و خانه رحمت و خزانه دانش هستیم (سیوطی، 1993: 6/606).

مظلومیت مضاعف اهل بیت (ع)

با وجود شواهد متعدد در مورد جایگاه ممتاز اهل بیت (ع)، چونان آیات و روایات و احادیث متواتری که دانشمندان شیعه و اهل سنت در طول قرون متمادی در فضیلت این خاندان نقل کرده اند، آنان پس از رحلت پیامبر (ص) خانه نشین شدند و اذیت و آزار دیدند، همچنین حاکمان فاسد تلاش کردند تا از نشر فضائل ایشان در میان مردم جلوگیری کنند تا حاکمیت خودشان با آسیب کمتری مواجه شود. سؤالی که وجود دارد، این است که چرا پس از رحلت پیامبر (ص) انبوهی از مظالم بر این خاندان وارد شد؟ کنکاش برای پاسخ به این سؤال می تواند اقدام امیرالمؤمنین علی (ع) در بیان بخش هایی از خصوصیات آنان را تبیین کند.

حفظ ارزش های اسلامی و پیروی از فرمان پیامبر (ص) پس از رحلت حضرتش عملاً کنار نهاده شد. همان طور که عموم مورخان می گویند، بعثت رسول ختمی مرتبت درحالی رخ داد که جاهلیت بر جامعه اعراب حاکمیت کامل داشت.⁷ لذا بخش مهمی از فعالیت های ایشان متمرکز بر گذردادن جامعه جاهلی به جامعه مطلوب و ایده آل اسلامی و ایجاد نظام امامت گردید. سرسختی و دشمنی با آن فرستاده الهی تا سال های پایانی عمرش ادامه یافت و زمانی که اکثر مردم شبه جزیره عربستان به اسلام تمایل نشان دادند، با رحلت آن حضرت فرصتی برای تحول بنیادین و عمیق در آنان فراهم نشد.

پس از رحلت پیامبر (ص)، واقعه سقیفه بنی ساعده بر مبنای تعصبات قومی و نژادی

شکل گرفت. انصار از بیم تسلط مهاجرین و به‌خطرافتادن موقعیت خود پیش از دفن شدن آن حضرت و بدون هیچ‌گونه برنامه قبلی برای تعیین حاکم در محلی به‌نام سقیفه بنی‌ساعده گرد آمدند (طبری، 1409: 2/455). خلیفه اول در اولین سخنرانی خود پس از بیعت با قشرهایی از مردم خطاب به آنان گفت: «من بر شما امارت پیدا کردم، ولی از شما بهتر نیستم» (ابن هشام، 1375: 2/661).

دستاورد سقیفه، غفلت از دستورات مؤکد پیامبر (ص)، غصب حق علی (ع) و اهل‌بیت (ع)، و احیای ارزش‌های جاهلی و عصبیت‌های قومی بود. پس از این واقعه، آن‌گاه که برخی از بزرگان صحابه برای اعاده موقعیت اهل‌بیت (ع) تلاش کردند، با مخالفت جدی و سرکوب سردمداران سقیفه و اشراف قریش مواجه شدند (ابن بکار، بی‌تا: 581-583). روند انحراف و ظلم بر اهل‌بیت (ع) با دستیابی بنی‌امیه به خلافت سرعت بیشتری یافت. با کناره‌نهادن سنت نبوی و تسلط حکومت‌های جاهلی اشرافی، حتی برخی اصحاب بزرگوار پیامبر (ص) همچون حجر بن عدی که نسبت به اهانت معاویه به امام علی (ع) و کناره‌نهادن اهل‌بیت (ع) اعتراض کردند، ناجوانمردانه به شهادت رسیدند (بلاذری، 1424: 5/2109).

همین خلیفه، که بنیان‌گذار حکومت اشرافی و سلطنتی بنی‌امیه بود، با تطمیع برخی روابان بی‌تقوا به جعل حدیث و مخدوش کردن چهره رسول گرامی اسلام و اهل‌بیت (ع) وی و متقابلاً جعل فضایی در مدح برخی خلفا و خود و خاندانش دست زد.⁸ بدین‌سان نه فقط جامعه اسلامی از حاکمیت اهل‌بیت (ع) محروم ماند، بلکه بسیاری از مسلمانان حتی شناختی نسبی از جایگاه آنان نداشتند و کار به آن‌جا رسید که به دستور معاویه، مسلمانان در سراسر جهان اسلام، می‌بایست پس از اتمام نماز، امیرالمؤمنین علی (ع) را لعن و نفرین می‌کردند. این بدعت شوم، رایج و عملی گردید و در افکار عمومی اثر بخشید و رفته‌رفته عادی شد، به‌گونه‌ای که بسیاری از کودکان با کینه علی (ع) بزرگ شدند و بزرگ‌ترها نیز با این احساسات دنیا را ترک کردند، درحالی‌که نمی‌دانستند او از چه جایگاهی برخوردار بوده است. بعد از معاویه، خلفای دیگر اموی نیز این روش را ادامه دادند و این بدعت تا اواخر سده اول هجری، که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید،⁹ ادامه داشت (ابن ابی‌الحدید، 1386: 3/57).

مسئله‌شناسی اقدام امام علی (ع) در بیان ابعاد از فضایل اهل‌بیت (ع)

هر پیامبر به لحاظ وجودشناسی و معرفت‌شناسی نماینده اسم الهی معینی است، درحالی‌که

آخرین پیامبر نمایندهٔ جمیع اسماء الهی یا به عبارتی نمایندهٔ واقعیت و حقیقت نهایی است که جامع کلی شریعت است (خمینی، 1360: 153). آن حضرت خود از اهل بیت (ع) بود و بارها به بیان فضائل این شجرهٔ طیبه (اهل بیت) نیز پرداخت.

اهل بیت (ع) جزء جدایی‌ناپذیر قرآن و دانا به تمام اسرار آن بودند. پیامبر (ص) پیوسته بر همراهی این دو با یکدیگر برای هدایت امت اسلامی تأکید می‌کرد، و سخنانش در کتب تاریخ و روایی شیعه و اهل سنت مفصلاً ذکر شده است تا چنان‌که آن حضرت در گفتاری از پیامبر اسلام که به حدیث وصایت مشهور است، علی (ع) را مطلقاً وصی خود معرفی کرد (ابن عساکر، 1398: 3/95).

با وجود جایگاه انکارناپذیر اهل بیت (ع)، این حقیقت در جامعه بازتابی گسترده و تأثیرگذار نیافت. قتل عام مؤمنان، به‌خصوص پس از حادثهٔ غمبار کربلا، موجب شد که گروه‌هایی از مردم که در سرزمین‌های پهناور اسلامی از این حقایق بی‌اطلاع بودند، تاحدودی با فضایل خاندان رسول خدا (ص) آشنایی یابند. با وجود این، سرکوب بی‌رحمانهٔ طرفداران این خاندان و همراهی نکردن بسیاری از خواص، روند این حرکت را کند کرد. امام علی (ع) با آگاهی از آینده و به پیروی از قرآن و پیامبر اعظم (ص) به معرفی ابعدی از شخصیت اهل بیت (ع) پرداخت و سپس سایر امامان معصوم (ع) نیز همین روش را ادامه دادند تا انوار این خاندان بر ناآگاهان هم بتابد.

ابعاد مختلف طرح اهل بیت (ع) در کلام امام علی (ع)

تأمل در سخنان امام، که عمدتاً در دوران چندسالهٔ خلافتش بیان شده است، گویای طرح موضوع اساسی اهل بیت (ع) به اشکال گوناگون و در فرصت‌های گوناگون است. آن حضرت به تاسی از کلام وحی و حضرت ختمی مرتبت در بیان الگو و چهارچوب نظام رهبری الهی بر کرهٔ خاکی، این نکته را بارها به مردم گوشزد کرد. موضوع اهل بیت (ع) و امامت ذکر چند نام نبود، بلکه راه سعادت بشر و یگانه مسیر کامل و صحیحی بود که می‌توانست بشر را از گذرگاه‌های انحراف و جهالت برهاند و با ارائهٔ افکار و اندیشه‌های متعالی ناب اسلامی و به دور از انحرافات فکری و اخلاقی در مسیر لقاءالله هدایت کند.

امام با آگاهی عمیق خویش و اطلاع از این‌که به‌زودی خلافت و رهبری جامعهٔ اسلامی در چنگال افرادی نالایق و فاسد دست‌به‌دست خواهد شد، از هر فرصتی برای آگاهی‌بخشی

به مردم و طرح مشروعیت الهی اهل‌بیت (ع) استفاده کرد. طرح این نظریه حتی اگر به عللی چند، از جمله احیای ارزش‌های جاهلی و تقویت موقعیت شیوخ قبلیه‌ها (اشراف القبائل)، با چالش مواجه بود، اما می‌توانست همواره سرمشقی مناسب برای مؤمنان و آزادگان باشد تا معیار و میزان حق را بدانند. مگر نه این‌که خداوند متعال می‌فرماید:

ان الله يأمرکم أن تؤدوا الامانات الی اهلها: همانا خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید (نساء: 58).

1. بیان جایگاه و فضیلت اهل‌بیت (ع)

از روش‌هایی که با تدبیر در قرآن دریافت می‌شود، انتخاب پیامبران از خاندان‌هایی پاک، ریشه‌دار و نجیب بوده است. در سوره مریم، از اول تا آیه 58، هشت نفر از پیامبران، یعنی زکریا، یحیی، عیسی، ابراهیم، موسی، هارون، اسماعیل، و ادریس یاد شده‌اند و سپس چنین آمده:

اولئک الذین انعم الله علیهم من النبیین من ذریة آدم و ممن حملنا مع نوح و من ذریة ابراهیم و اسرائیل 10 (← قرشی، 1371: 84 / 1).

امام علی (ع) در کلامی زیبا و پرمحتوا فرمود:

خدا نطفه‌خاندان رسالت را در بهترین امانتگاه‌ها و مطمئن‌ترین پناهگاه‌ها جای داد. شایسته‌ترین صلب‌ها به پاک‌ترین رحم‌ها منتقل گردید. هر فردی از آنان که از دنیا رفت، جانشین وی دین خدا را به پای داشت و سرانجام، لطف خدا منتهی شد به وجود محمد (ص)، پیامبری که خداوند او را از بهترین سرزمین‌ها و برترین ریشه‌ها، و از شجره‌ای که پیامبران الهی را پشت سر گذاشته و امینان خدا از میان آنان برگزیده شده‌اند، جدا ساخت. خاندان محمد (ص) بهترین خاندان، طائفه‌اش بهترین طائفه، و شجره‌اش بهترین شجره است (نهج‌البلاغه، 1378: 285).

امام پس از اطلاع یافتن از جریان سقیفه بنی‌ساعده، وقتی که دید برخی با استدلال به قریشی بودن و انتساب به شجره رسول خدا (ص) خلافت را در دست گرفته‌اند، فرمود:

به درخت استدلال می‌کنند و ثمره درخت (امام و اولادش) را نادیده می‌گیرند (همان: 125).

آن حضرت در نامه‌ای به معاویه ضمن اشاره به مظالم قریش نسبت به پیامبر (ص) و خاندانش، در بیان فضائل اهل‌بیت (ع) نوشت:

هر وقت جنگ شدت می‌گرفت و مردم حمله می‌کردند، رسول خدا (ص) اهل‌بیت (ع)

خویش را پیش می‌انداخت و اصحاب خود را به وسیله اهل بیت (ع) از گرمی شمشیر و نیزه حفظ می‌کرد (همان: 646).

2. مقام رهبری و هدایت‌گری اهل بیت (ع)

مراجعه به کلام وحی (قرآن) گویای این واقعیت است که خداوند متعال هرگز حکومت و رهبری ستمکاران و حاکمان فاسد را تأیید نکرده است، بلکه خود افرادی برگزیده را برای هدایت و رهبری مردم مشخص نموده است. بی تردید، همین شرایط در زمان پیامبر اسلام و پس از او هم جاری بوده است، و آیات متعددی این موضوع را تأیید می‌کند، از جمله:

و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فإن حزب الله هم الغالبون: و هر کس که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرد (از حزب خداوند است) و بی‌گمان حزب خداوند پیروز است (مائده: 56).

1.2 رهبری بر پایه فضیلت الهی و ذاتی

آیات متعددی در قرآن بر ولایت علی (ع) و اهل بیت (ع) تأکید کرده و بسیاری از منابع اهل سنت و شیعه به اتفاق، شأن نزول آیات را بر همین محور بیان کرده‌اند. در کنار این همه، در اواخر حیات پیامبر (ص) و پس از حجة الوداع، با نزول آیه تبلیغ، ولایت (مائده: 67) آن حضرت را در غدیر خم و در برابر دیدگان هزاران نفر ابلاغ کرد و فرمود: «هر کس که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست» (کلینی، 1372: 1/ 420).

هر چند فضائل اهل بیت (ع) در بسیاری از منابع اسلامی تا حدودی ثبت شده و در این پژوهش نیز به آن‌ها اشاراتی رفته است، ولی از آن‌جا که یکی از اساسی‌ترین وظایف آنان مسئولیت رهبری و هدایت جامعه است، تلاش بسیار شد تا این موضوع حتی الامکان کتمان و یا لااقل کم‌رنگ شود؛ از این رو، نکاتی دیگر را در حوزه رهبری آنان مطرح می‌کنیم.

در کلامی از پیامبر (ص) که به حدیث ثقلین مشهور است، آن حضرت اهل بیت (ع) خود را هم‌پایه و در کنار قرآن قرار داد (مسلم بن حجاج نیشابوری، بی‌تا: 7/ 123). در گفتاری دیگر از آن حضرت، که به «حدیث سفینه» معروف است، ایشان، اهل بیت (ع) خود را به کشتی نوح تشبیه می‌کند که هر کس در آن جای گرفت، نجات یافت و هر که از آن تخلف ورزید، غرق شد (نقوی، 1406: 2/ 196).

2.2 لزوم اطاعت از رهبران الهی / اهل بیت (ع)

امام علی (ع) در بیان ضرورت اطاعت از صاحبان امر (اولوالامر) که در قرآن آمده و مصداق آن امامان معصوم (ع) هستند، فرمود:

همانا خداوند بدان جهت به اطاعت صاحبان امر فرمان داد که آنان معصوم و پاکیزه‌اند و هیچ‌گاه به گناه امر نمی‌کنند (شیخ صدوق، 1996: 123/1).

همه رهنمودهایی که در مورد رهبران شایسته و هدایتگر بیان شده است، بی‌شک نمی‌تواند بر خلفای فاسق، جانی، و فاسدالاخلاق اموی و عباسی تطبیق پذیر باشد. از این رو، بارها از راه‌های مطمئن و خاص نام و نشان ذکر گردید، از جمله امام علی (ع) فرمود:

اهل‌بیت (ع) در کتاب خدا ما هستیم (تفقی کوفی، بی‌تا: 199/1).

3.2 انحصار امامت در اهل‌بیت (ع)

اوضاع نابسامان پس از رحلت حضرت رسول اکرم (ص) تدریجاً موجب شد تا افرادی بی‌بهره از صفات رهبری مسلمانان، با تکیه بر قدرت و ثروت، خود را بر مسند خلافت جامعه اسلامی قرار دهند، و حتی در این راستا خون‌های بسیاری به هدر دادند. امیرالمؤمنین (ع) با طرح این حقیقت که موضوع رهبری اهل‌بیت (ع) از جانب خداوند متعال تعیین شده است، در خطبه‌ای می‌فرماید:

آنان که فکر می‌کنند در علم راسخ هستند و از روی دروغ و ظلم بر ما، خود را لایق رهبری می‌دانند و به ما عقیده ندارند، کجا هستند؟ اینان باید بدانند خدا ما را مقام داده و دیگران را پائین آورده است؛ به ما لطف کرده و آنان را محروم ساخته است، و ما را از علم خود بهره‌مند گردانده و دیگران را بی‌بهره کرده است. مردمان به‌وسیله ما راه هدایت را می‌آموزند و گمراهی را برطرف می‌سازند (نهج‌البلاغه، 1378: 328).

3. جامعیت اهل‌بیت (ع) در ابعاد مختلف

در برخی تحلیل‌ها ملاحظه می‌شود با استنباط از معنای لغوی «امام»، افرادی که به هر طریق بر مسند حکومت مسلمانان قرار گرفتند، به امام و رهبر مسلمانان ملقب شدند. پیروی از اهل‌بیت (ع) مشروط به قدرت سیاسی آنان نبوده و اکثریت قریب به اتفاق آنان نه فقط به خلافت نرسیدند، بلکه تعقیب شدند و آزار دیدند، با این حال، همواره - نه تنها در عصر خود که حتی در زمان‌های دیگر - ملجأ فکری و سیاسی مؤمنان بودند. مجموعه گسترده‌ای

از احادیث موجود که بهره‌جویی از مفاهیم عمیق قرآن را فقط از طریق اهل‌بیت (ع) امکان‌پذیر می‌داند.

قرآن فقط شامل ظواهر کلامش نیست، بلکه باطنی دارد و اسراری، که پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) آن را درک می‌کنند. خداوند در این کتاب آسمانی می‌فرماید:

وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم: ما بر تو ای پیامبر ذکر (قرآن) را نازل کردیم تا برای مردم آن را تبیین و تشریح نمایی (نحل: 44).

فرستاده وحی بارها بر لزوم وجود سنت در کنار قرآن تأکید کرد، از جمله فرمود:
آگاه باشید که قرآن بر من نازل شد و مثل قرآن (سنت) نیز همراه با قرآن است (قرطبی، 1985: 1/43).

نکته درخور توجه آن است که بارها در محافل علمی، که گاه خلفا برگزار می‌کردند، عجز مفسران در برابر تفاسیر معصومان (ع) آشکار می‌شد و علاوه بر این، در فرصت‌های گوناگون مردم و حتی دانشمندان برای درک برخی مفاهیم و تفاسیر آیات به اهل‌بیت (ع) مراجعه می‌کردند. احادیث بسیاری در منابع شیعی و سنی وجود دارد که تأیید می‌کند «راسخون در علم» تنها اهل‌بیت (ع) هستند، آنان که از علم تأویل قرآن آگاهی کامل دارند (عیاشی، 1380: 1/292 - 293).

امام علی (ع) در سلسله‌گفتارهای خود به ابعاد جامعیت اهل‌بیت (ع) در حوزه‌های گوناگون علمی، اجتماعی، و سیاسی اشاره کرده و مفاسد دست‌کشیدن از آنان را چنین بیان می‌کند:

در دریاهای آشوب فرو رفتند، دستورهای اسلام را کنار گذاشتند، بدعت‌ها را پذیرفتند، مؤمنان خانه‌نشین شدند، و گمراهان دروغگو به حرف آمدند. ما اهل‌بیت، خاصگان و یاران پیامبریم و گنجوران علم و درهای آن هستیم. باید برای ورود به خانه علم از در آن وارد شد، و هر کس از راهش وارد نگردد، دزد نامیده می‌شود (نهج‌البلاغه، 1378: 357).

4. آثار منفی غفلت از اهل‌بیت (ع)

آنچه از گفتارهای امام استنباط می‌شود، تحلیل چالش‌های متعددی است که جوامع اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) دچار آن شدند و مرکزیت این انحرافات درک ناصحیح در تشخیص افرادی بود که پس از آن حضرت شایستگی داشتند، یعنی کسانی که از نظر رهبری سیاسی، اعتقادی، اخلاقی، و اجتماعی بر دیگران اشراف داشتند. در نتیجه، مسلمانان گرفتار

رهبرنمایی شدند که خود اسیر انحرافات بودند. از این جهت، امام اهل‌بیت (ع) را این‌گونه توصیف می‌کند:

آگاه باشید آل محمد (ص) مثل ستارگان آسمان هستند، هرگاه ستاره‌ای ناپدید شد، ستاره دیگری آشکار می‌گردد. گویا خدا نعمت‌های خود را در حق شما کامل کرده و آنچه را آرزو دارید، به شما ارائه داده است (همان: 218).

نکته مهم دیگری که امام در مورد آن روشن‌گری می‌کند، لزوم تمییز و جداسازی منصب الهی اهل‌بیت (ع) از کسانی بود که این واژه را فقط در لفظ به‌کار می‌بردند، چنان‌که خلفای صدر اسلام از عبارت «خلیفه رسول خدا (ص)» استفاده کردند (ابن خلدون، 1363: 1/479). امویان عنوان خلیفه‌الله را برگزیدند. عباسیان نیز، علاوه بر القاب خلیفه‌الله و امیرالمؤمنین، از القاب خاصی که به «الله» ختم می‌شد، استفاده کردند. سخن حضرت بر لزوم رجوع به افرادی است که به حق جامع‌الاطراف بودند؛ از این رو، امام می‌فرماید:

چرا شما را به گمراهی می‌کشاند، با این‌که عترت پیامبر (ص) در میان شما موجود است، چرا خود را به کوری زده‌اید؟ خاندان پیامبر (ص)، رهبران حق، راهنمایان دین، و زبان حق هستند. آنان را به بهترین مقام‌های قرآن در نظر بگیرید و مانند حیوانات تشنه که به آب حمله می‌کنند تا آب بنوشند، از آنان بهره‌برداری کنید (نهج‌البلاغه، 1378: 168).

الف) مخالفان اهل‌بیت (ع) از منظر امام علی (ع)

روش زندگانی و سیره هر یک از اهل‌بیت (ع) به پیروی از جدشان رسول اکرم (ص) بود و آنان الگویی تمام‌عیار و تجلی حقیقی آن حضرت در عصر خود بودند. بدین جهت، در برخی اعصار با این‌که برخی از بزرگان و دانشمندان دچار لغزش‌هایی شدند که گاه می‌توانست حتی اساس اسلام را خدشه‌دار کند، اما وجود ذریه پیامبر (ص)، که در سخنان امیرالمؤمنین (ع) به حق راسخان در علم، پرچمداران دین، اصحاب رسول، و ابواب علوم و معارف خوانده شده‌اند، از تأثیر این صدمات جلوگیری کرد.

مسلم است همان‌گونه که پیامبران الهی همواره با خیل دشمنان مواجه بودند، این فرزندان خلف پیامبر (ص) هم از این آسیب در امان نماندند. آن حضرت با تشخیص دقیق خود در شناسایی آسیب حمیت (تعصب) قومی و خونی برای اسلام و جامعه اسلامی کوشید تا از قبایل متفرق، امتی واحد بسازد. برخی افراد بلافاصله پس از رحلت ایشان با همین حربه به قدرت رسیدند، و در مدت 25 سال پس از آن، که علی (ع) به خلافت رسید، واقعیت خطرناک قبیله‌گرایی کاملاً بر جامعه سیطره یافته بود. امام عصیبت قبیله‌ای را

با برتری جویی شیطان مقایسه کرد و از اقوام مختلف و سرنوشت سوء آنان شاهد آورد تا مردم را آگاه کند. در چنین جامعه‌ای، رؤسای قبایل همواره دامن‌زدن به تعصبات و پراکندگی جامعه را به مصلحت خود می‌دانند. امام مردم را از تبعیت آنان بر حذر داشت (شمس‌الدین، 1361: 111-121).

اهل بیت (ع) با وجود مواجه شدن با چالش‌های متعدد فکری و سیاسی، به‌ویژه احیاء و تقویت تعصبات جاهلانه، ضمن آگاهی‌بخشی به جامعه سعی کردند اثرگذاری این آسیب‌ها در میان مسلمانان کاهش یابد، و مهم‌تر از همه، دین توحیدی اسلام از خطر تحریف در امان بماند. قطعاً اگر آنان ابزارهای سیاسی و اجتماعی لازم را در اختیار داشتند، با تأثیرگذاری بر فضای گسترده‌تری کارکرد آرمان‌گرای دین اسلام را به بشریت عرضه می‌کردند. هیأت حاکمه و عواملش متقابلاً از هیچ جنایتی علیه آنان دریغ نکردند و از این رو، عقوبت سختی در انتظارشان بود. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید:

دشمن و کینه‌دار ما در انتظار عذاب خداست (نهج البلاغه، 1378: 252).

آن حضرت در خطبه‌ای دیگر با اشاره به حوادث پیش‌آمده پس از رحلت پیامبر (جریان خلافت) به تکلیف مردم در ضرورت شناخت امام تأکید کرد و فرمود:

رهبران، نمایندگان خدا در میان خلق و آگاه از وضع مردم و حاکم بر آن‌ها هستند. کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر این‌که رهبران (امامان ع) را بشناسد و آنان هم افراد را بشناسند، و کسی که امامان را نشناسد و امامان هم او را نشناسند، به‌طور حتم وارد آتش می‌گردد (همان: 351-352).

ب) محبان و طرفداران اهل بیت (ع) از نگاه امام

خشونت و مظالم بی‌شماری که در دوران بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس بر همه نوادگان رسول اکرم (ص) / اهل بیت (ع) وارد شد، موجب شد تا اکثر مردم از جایگاه آنان آگاه نباشند و یا به‌سبب واهمه از حکومت‌های اقتدارگرا از آنان دوری گزینند. در این میان افرادی در محبت اهل بیت (ع) ثبات قدم فوق‌العاده‌ای نشان دادند و با وجود مواجهه با حکومت‌های خشن و بی‌رحم از حق دست برنداشتند. هر چند بیان شرح حال برخی شیفتگان اهل بیت (ع) و مصائبی که در این راه تحمل کردند، خود فرصتی جداگانه می‌طلبد، لیکن برای درک بخشی از ویژگی‌های آنان به چند مورد اشاره‌ای می‌شود.

حُجر بن عدی ابتدا از اصحاب پیامبر (ص) بود و به‌سبب زهدش به «راهب اصحاب»

شهرت داشت (عسقلانی، 1328: 314/1). با پذیرش خلافت از جانب امیر مؤمنان جزو اصحاب و شیعیان استوار آن حضرت بود و در کنار وی پایدار ماند و او را وصی رسول خدا (ص) می‌دانست. حجر پس از شهادت حضرت علی (ع) با دستور معاویه در دشنام‌دادن به امام علناً مخالفت کرد و در نتیجه، به دستور وی در 51 ق، به همراه یارانش به شیوه‌ای ناجوانمردانه در مرج عذرا به شهادت رسید (ذهبی، 1417: 4/532).

همچنین می‌توان از میثم بن یحیی (تمار) نام برد. وی یکی از غلامان بنی‌اسد بود که امام او را خرید و آزاد کرد. شایستگی او در میان اصحاب علی (ع) تا بدان‌جا رسید که توانست برخی دانش‌ها و حتی اسرار را از ایشان فراگیرد و از برخی امور غیبی آگاه شود (مفید، 1413: 1/321). میثم پس از شهادت علی (ع) در پیروی از فرزندانش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ثابت قدم ماند و سرانجام ده روز پیش از شهادت امام حسین (ع) به دستور عبیدالله بن زیاد به دار آویخته شد (طبرسی، 1417: 1/342). مالک اشتر، سردار بزرگ، نیز معتقد بود در حضور امام علی (ع) حتی حق مصلحت‌اندیشی ندارد، لذا می‌گفت به هر چه امیرالمؤمنین رضا داد من هم رضا دهم (ابن اعثم، 1374: 735-732).

در مورد سایر اهل‌بیت (ع) نیز وجود چنین طرفدارانی یکی از عواملی بود که می‌توانستند صدای خود را به گوش سایر مردم برسانند و چنانچه موضوع فداکاری ضرورت می‌یافت، آنان ثبات قدم داشتند. همچون یاران باوفای امام حسین (ع) در ماجرای کربلا که با شوق و علاقه‌ای وصف‌ناشدنی به میدان رفتند و به شهادت رسیدند.

امیرالمؤمنین (ع) بارها از مردم خواست از اهل‌بیت (ع) اطاعت کامل کنند و در خطبه‌ای ضمن بیان ضرورت و نتایج این همراهی فرمود:

به اهل‌بیت پیامبران بنگرید و از آنان پیروی کنید و هدفشان را تعقیب نمایید که شما را از مسیر هدایت بیرون نمی‌برند و به هلاکت گمراهی بازتان نمی‌گردانند. اگر زمین‌گیر شدند، شما هم بنشینید و اگر قیام کردند، شما هم قیام کنید. از آنان سبقت نگیرید که گمراه می‌شوید و عقب‌نمانید که هلاک می‌گردید (نهج‌البلاغه، 1378: 212).

گرچه بسیاری از مردم به علل مختلف از اطاعت اهل‌بیت (ع) بازماندند، اما تعدادی نیز با آنان همراهی کردند. پذیرش نظام امامت و خروج از ساختار نظام قبیلگی حاکم موجب شد تا محبان اهل‌بیت (ع) با باور عمیقی که به حقانیت این خاندان داشتند، حماسه‌های

بزرگی بیافرینند و مجاهدات بسیار کنند. امام به این قبیل افراد نیز پرداخته و درباره نتایج فداکاری‌های بی نظیرشان می‌فرماید:

یاور و دوست ما در انتظار رحمت الهی است (همان: 252).

آن حضرت در گفتاری دیگر برای کسانی که حق اهل‌بیت (ع) را نیک شناخته‌اند، فضیلتی ویژه قائل شده می‌فرماید:

کسی که روی بستر بمیرد و حق رسول خدا (ص) و حق اهل‌بیت (ع) را شناخته باشد، شهید از دنیا رفته است و پاداشش به عهده خداست (همان: 589).

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی اعتقادات اسلامی حاکی از این واقعیت است که پاسداری از قرآن و تعالیم اسلام فقط از طریق اطاعت از اهل‌بیت (ع) ممکن است. با وجود ادله متعدد نقلی و عقلی، به علل گوناگون، منزلت و جایگاه واقعی این شجره نورانی بر بسیاری از مسلمانان مخفی ماند و کار بدان جا رسید که خاندان‌هایی که با تمام وجود مقابل اسلام و پیامبر (ص) ایستاده بودند و علناً مرتکب فسق و فجور می‌شدند، بر مسند خلافت اسلامی بنشینند.

امیرالمؤمنین علی (ع)، که تحت سرپرستی پیامبر اکرم (ص) پرورش یافت و دارای فضائل بی‌شمار و منحصر به فردی بود و پیامبر او را باب شهر علم خواند، با درک عمیق خود از این مسئله مهم و لزوم طرح آن در جامعه بارها آن را مطرح کرد. روش امام در مطرح کردن جایگاه اهل‌بیت (ع) برگرفته از قرآن و کلام پیامبر (ص) بود.

بیان سابقه تاریخی این قضیه، به خصوص در مورد حضرت ابراهیم و خاندانش، لزوم وجود رهبران شایسته از خاندان‌هایی که در آن‌ها نبوت سابقه داشت، و نیز ساماندهی و تمرکز رهبری مبتنی بر شاخص‌های ارزشی اسلام در میان افراد برگزیده بخشی از این رویکرد بود.

علی (ع) با درک این واقعیت تلخ که جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) به جاهلیت رجعت کرده است، مسئله اساسی در انحراف جامعه را غفلت از جایگاه اهل‌بیت (ع) می‌دانست. بنابراین، با بیان منزلت این خاندان و حتی صفات دوستان و دشمنان آنان، ابتدا زمینه حفظ اسلام و سپس بیداری قشرهایی از جامعه را فراهم کرد. در واقع با بیداری و تحول فکری در برخی نخبگان و گروه‌هایی از جامعه، زمینه تحولات اعتقادی —

فرهنگی فراهم آمد.

پی‌نوشت

1. قرآن صراحتاً به این خطر اشاره کرده است، چنان‌که در این کتاب آسمانی چنین آمده است:

و ممن حولکم من الاعراب منافقون و من اهل المدینة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم
سنعذبهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم: و برخی از عرب‌های بادیه‌نشین که پیرامون شما
هستند، منافقند و عده‌ای از اهل مدینه نیز منافقانی هستند که به دورویی خو کرده‌اند، تو
آنان را نمی‌شناسی، ما آنان را می‌شناسیم. به‌زودی آنان را دوبار عذاب خواهیم کرد؛ سپس
به سوی عذابی بزرگ بازگردانیده می‌شوند (توبه: 101).

2. پرداختن به این موضوع در این مختصر نمی‌گنجد. با وجود این، بی‌توجهی به دستورات مؤکد
پیامبر (ص) در مورد جان‌بینی علی (ع) موجب شکل‌گیری سقیفه بنی‌ساعده و انحراف از خط
مشئ اساسی اسلام شد و حوادث ناگواری پدید آمد که حمله به خانه حضرت زهرا (س)،
دختر پیامبر (ص)، تغییر برخی از تعالیم دین اسلام، قتل عام وحشیانه نوادگان و بازماندگان
پیامبر (ص) در کربلا و موارد متعدد دیگر فقط بخشی از آن‌هاست. البته پیامبر (ص) قبلاً
هشدارهای لازم را در این خصوص داده بود، از جمله فرمود:

من در کنار حوض (کوثر در فردای قیامت) قرار نمی‌گیرم و می‌نگرم که کدام یک از
شما بر من وارد می‌شوید و افرادی از شما را می‌گیرند و از امت من به حساب
نمی‌آورند؛ من می‌گویم پروردگارا اینان از من و امت من هستند. گفته می‌شود آیا
می‌دانی که بعد از تو چه کرده‌اند؟ به خدا قسم بدون معطلی به دوران جاهلیت خود
بازمی‌گردند (بخاری، 507/8: 1407).

3. در تفسیر آیه 55 سوره مائده همه کتب تفسیری شیعه تأکید می‌کنند آن شخص که در حال
رکوع زکات داد، امیرالمؤمنین علی (ع) بود. همچنین بسیاری از منابع معتبر اهل سنت به همین
نکته تصریح می‌کنند، که برخی از این منابع از این قرار است: طبری، 1415: 186/6؛
فخررازی، 1312: 431/3؛ زمخشری، 1397: 422/1؛ بیضاوی، 1848: 345/1؛ آلوسی
بغدادی، 1405: 329/2؛ قرطبی، 1985: 221/6؛ ابن‌ابی‌الحدید، 1386: 275/3؛ سیوطی،
1993: 293/2.

4. این کتاب نوشته محمدرضا ایزدپور است و نشر آموزش کشاورزی در 1387 آن را منتشر کرده
است. در این اثر، برخی از ابعاد وجودی اهل‌بیت (ع) در پاسداری از معارف ناب اسلامی تبیین شده
است.

5. در سوره تحریم، آیات 4-5 دو تن از همسران پیامبر (ص) که راز ایشان را افشا کرده و از این طریق، موجب آزدگی آن حضرت شده بودند، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند (قرطبی، 1985: 18/188).
6. در خصوص اطلاق اهل بیت (ع) به حضرت محمد (ص)، علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع)، منابع بسیاری از اهل سنت وجود دارد که قاضی نورالله شوشتری به بیش از 70 منبع ارجاع داده است (ایزدپور، 1387: 20).
7. عموم مورخان بر جاهلیت اعراب شبه‌جزیره تا هنگام گسترش اسلام اتفاق نظر دارند. البته برخی از محققان بیشتر بر امی بودن اکثریت اعراب جاهلی و فقدان قدرت خواندن و نوشتن آنان تأکید کرده‌اند (← ابن قتیبه، 1300: 240؛ ابن سعد، 1373: 522، 526، 531).
8. ابوهریره و کعب‌الاحبار در جعل حدیث و مخدوش کردن سنت نبوی و اهل بیت (ع) بسیار تلاش کردند. آنان در فضیلت معاویه گفتند: «خداوند به پیامبرش وحی کرد که معاویه را کاتب خود قرار بده، زیرا او امین است» (امینی، 1363: 10/163).
9. این خلیفه اموی سب امیرالمؤمنین علی (ع) را، که میراث شوم معاویه بود، ملغی کرد. این اقدام با استقبال مردم روبه‌رو شد و شعرا و گویندگان این اقدام را ستودند (ابن اثیر، 1399: 5/42). البته حکومت این خلیفه دولتی مستعجل بود (از 99 ق تا 101 ق) و گفته‌اند بنی‌امیه او را مسموم کردند و به هلاکت رساندند (ابن عبدربه، 1403: 4/439).
10. در ادامه چنین آمده است: «اولئك الذين انعم الله عليهم من النبيين من ذرية آدم و ممن حملنا مع نوح و من ذرية ابراهيم و اسماعيل»، یعنی پیامبرانی که در این سوره یاد شدند، همه از اولاد این چهار نفرند: آدم، نوح، ابراهیم، و اسرائیل (قرشی، 1371: 1/84).

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی بغدادی، محمود (1405ق). تفسیر آلوسی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (1386ق). شرح نهج البلاغه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (1399ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر.
- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد (1374ش). الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، مصحح: طباطبایی مجد، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن بکار، زبیر (بی‌تا). الاخبار الموقیاتی، تحقیق سامی مکی العانی، بغداد: مطبعة العانی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (1363ش). العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.

- ابن سعد، محمد (1373ق). *الطبقات الکبری*، بیروت.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد (1403ق). *العقد الفرید*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسین (1398ق). *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت: مؤسسه محمودی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (1300 ق). *المعارف*، قاهره.
- ابن هشام، عبدالملک (1375ق). *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- امینی، عبدالحسین (1363ش). *الغدیر*، ترجمه زین‌العابدین قربانی، تهران: بنیاد بعثت.
- ایزدپور، محمدرضا (1387ش). *نقش اهل‌بیت (ع) در تبیین معارف اسلامی*، تهران: نشر آموزش کشاورزی.
- بابایی، علی‌اکبر (1381ش). *مکاتب تفسیری*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (1407ق). *صحیح البخاری*، بیروت: دارالقلم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (1424ق). *انساب‌الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاضی زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (1848م). *انوارالتنزیل*، چاپ سنگی.
- تقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (بی‌تا). *الفارات*، تحقیق محدث ارموی، (بی‌جا): مطبعة بهمن.
- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد (1980م). *فرائدالسمطین*، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (بی‌تا). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالمعرفة.
- خیمینی، سیدروح‌الله (1360ش). *مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية*، ترجمه سیداحمد فهری، تهران: پیام آزادی.
- ذهبی، محمد بن احمد (1417ق). *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر (1397ق). *الکشاف*، بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین (1993م). *الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت.
- شمس‌الدین، محمدمهدی (1361ش). *جست‌وجویی در نهج‌البلاغه*، ترجمه محمود عابدی، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
- صدوق، محمد بن علی (1996م). *علل الشرایع*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (1417ق). *اعلام‌الوری*، قم: مؤسسه آل‌البيت.
- طبری، محمد بن جریر (1409ق). *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (1415ق). *جامع‌البیان عن تأویل آیات القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- عسقلانی، ابن حجر (1328ق). *الاصابة*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- عمید، حسن (1377ش). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر.
- عیاشی، محمد بن مسعود (1380ق). *تفسیر العیاشی*، تهران: اسلامیه.
- فخررازی، محمد بن عمر (1312ق). *مفاتیح‌الغیب*، قاهره.
- فراهیدی، ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد (1408ق). *کتاب‌العین*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- قرشی، سید علی‌اکبر (1371ش). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد (1985م). *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (1372ش). *اصول کافی*، ترجمه و شرح محمدباقر کمرهای، تهران: اسوه.
- مسلم بن حجاج نیشابوری (بی تا). *صحیح مسلم*، بیروت: دارالفکر.
- مفید، محمد بن نعمان (1413 ق). *الارشاد*، قم: مؤسسه آل البیت.
- مقرئ القیومی، احمد بن محمد بن علی (1419ق). *المصباح المنیر*، تصحیح محمد محیی الدین عبدالحمید.
- مکارم شیرازی، ناصر (1371ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نقوی، حامد (1406ق). *خلاصه العقبات*، تلخیص سید علی میلانی، قم: مطبعة الشهداء.
- نهج البلاغه* (1378ش). ترجمه مصطفی زمانی، تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.

